



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صلاحیت‌ها عبارت‌اند از: صرف منابع مالی، موازی کاری، افزایش بوروکراسی، توسعه اقتدارات حکومت، جلوگیری از مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، نفی نظریه حکومت به نمایندگی و نقض سایر اصول حقوقی. نگاشته پیش رو نشان می‌دهد که میزان کثیری از فعالیت‌های این نهاد با حوزه عملکردی نهادهای قانونی کشور متداخل شده و این پژوهش درصدد است تا با بررسی مواردی از مصوبات شورای یادشده، زمینه اصلاح وضعیت موجود را فراهم آورده و به آسیب‌شناسی فعالیت‌های شورا پردازد.

واژگان کلیدی: استقلال قوا، شورای عالی انقلاب فرهنگی، قوه قضاییه، قوه مجریه، قوه مقننه.

مقدمه

به رغم آن‌که در نظام‌های حقوقی معاصر به تفکیک قوای کلاسیک انتقادات جدی وارد می‌شود و این انتقادات منجر به شکل‌گیری نظریات جدیدی شده است،^۱ اما همچنان نظریه تفکیک قوای کلاسیک یکی از ستون‌های اصلی نظام حقوق اساسی به شمار رفته و امری محترم شمرده می‌شود (زارعی و عزیزمحمدی، ۱۳۹۶: ۲۱۴). این نظریه، با جرح و تعدیلاتی، در اکثر نظام‌های معتبر حقوقی به رسمیت شناخته شده است. تفکیک قوا آموزه‌ای است که پیشنهاد می‌کند سه کارکرد اصلی دولت (قانون-گذاری، اجرا و قضاوت) باید به سه شاخه جداگانه دولت (قوای مقننه، مجریه و قضاییه) واگذار شود (هیوود، ۱۳۹۵: ۲۳۶). هرکدام از این قوا محدود به اعمال وظایف مختص به خود هستند و اجازه دست‌اندازی هیچ‌یک از آن‌ها بر سایرین وجود ندارد (Vile, 1967: 13). بنا بر ایده منتسکیو (به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز این اصل)^۲، تمرکز

۱. یک مورد از این نظرات، نظریه دولت تنظیم‌گر است که بیان‌گر نهادهای برخوردار از کارکردها و صلاحیت‌های قوای سه‌گانه است و به عنوان قوه چهارم شناخته می‌شود. برای مطالعه بیش‌تر نک. (زارعی و عزیزمحمدی، ۱۳۹۶).
 ۲. ایده تفکیک قوا از سوی جان لاک مطرح شد و پس از او، شارل دو منتسکیو این مفهوم را به کار گرفت. هرچند عده‌ای بر این باوراند که سرچشمه‌های نظری اصل تفکیک قوا را بایستی در کتاب سیاست ارسطو جستجو کرد، اما تبیین حدود صلاحیت و تعیین حوزه اختیارات قوای مشورتی، مجریه و قضاییه از سوی او با نظریات مدرن تفکیک قوا هیچ‌گونه سختی ندارد. هم‌چنین، به‌رغم پردازش اصل تفکیک قوا به‌وسیله جان لاک، تفکیک قوا در معنایی نزدیک به آنچه

قدرت موجب تسهیل و تشویق سوءاستفاده از آن می‌شود، در حالی که اصل تفکیک قوا سدی است در برابر چنین سوءاستفاده‌هایی (Cane, 2011: 23).

این دکرین در معنای تقسیم قدرت حاکمیت بین نهادهایی با منافع و اهداف متفاوت بوده و مانعی است بر این که هیچ قدرت مرکزی‌ای نتواند بدون همکاری سایر قدرت‌ها و قوا به اعمال اقتدار پردازد و هر قدرتی تحت سیطره اصل نظارت و تعادل به ایفای وظایف قانونی خود رهنمون شود. نظریه تفکیک قوا وسیله‌ای برای تضمین اصل حاکمیت قانون در جوامع مدرن است (Alder, 2002: 105 & Henderson, 1963: 5).^۱ به دیگر سخن، اصل تفکیک قوا در معنای تقسیم کارویژه‌ها و سپردن آن به ارکان صاحب صلاحیت است، اما فلسفه اصلی آن جلوگیری از اقدامات خودسرانه و توزیع قدرت به‌منظور جلوگیری از تجمیع آن در دست یک بخش یا مقام است (McEldowney, 1998: 39). پذیرش مدل تفکیک قوا امری محتوم در صیانت از حقوق و آزادی‌ها، جلوگیری از استبداد رأی و قاعده‌مندی اعمال حکومت است. با عنایت بر این که این اصل یکی از اصول بنیادین جوامع دموکراتیک (Grabenwarter, 2011: 1) و از اصول جهان‌شمول در حکومت‌های مشروطه به شمار می‌رود (Vile, 1967: 105)، قانون اساسی ایران نیز با برداشت خاص خود از این اصل، در اصل پنجاه و هفتم به ذکر قوای سه‌گانه پرداخته که به‌موجب آن، صرفاً به استقلال قوا اشاره شده و نامی از اصل تفکیک قوا نیامده است. شاید بتوان این برداشت خاص را این‌گونه توجیه کرد که اصل تفکیک قوا نه فقط به معنی سه قوه جدا از یکدیگر است، بلکه بر این نکته تأکید دارد که هر یک از این قوا باید مستقل از یکدیگر باشند (هداوند، ۱۳۹۳: ۹۲)؛ بنابراین، صحیح‌تر آن است که بر مبنای نظام حقوق اساسی ایران از اصطلاح استقلال قوا در ادامه استفاده شود.

امروزه مطرح است، نخستین بار از سوی منتسکیو نظریه‌پردازی شد (بالوی و بیات کمیتکی، ۱۳۹۶: ۳۶۶-۳۶۷). در مقابل، نظریه‌پردازی همچون توماس هابز و ژان بدن را می‌توان در زمره طرفداران نظریه تجمیع قوا -در دست یک بخش یا مقام- دانست. برای مطالعه آراء این دو متفکر نک. (بیکس، ۱۳۹۳: ۱۰۹؛ وینسنت، ۱۳۹۷: ۶۲، ۶۳، ۷۸-۷۵).
۱. حاکمیت قانون یکی از شاخصه‌های بارز در تصدیق داعیه برخورداری از یک دولت مدرن است (Pierson, 2004: 15).

در خصوص نهاد مورد اشاره این مقاله، اجمالاً باید بیان کرد که شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله نهادهایی است که با حکم مقام رهبری به وجود آمده و در قانون اساسی نامی از این نهاد وجود ندارد. حتی در بازنگری قانون اساسی نیز تعیین تکلیفی در خصوص این نهاد صورت نگرفت که به زعم عده‌ای، این عدم تصریح شاید حاکی از مقطعی و غیردائمی بودن عمر شورا بوده است (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۷۶: ۱۰۳). هم‌چنین، با وجود اشاره به شورای عالی انقلاب فرهنگی در برخی از قوانین^۱، همچنان صلاحیت‌ها و جایگاه این نهاد در نظام حقوقی ایران نامشخص است و ابهام‌های پیرامون آن، همچنان به قوت خود باقی است؛ بنابراین، به دلیل عدم صلاحیت شورا در عموم مسائلی که در آن به وضع ضابطه می‌پردازد، نقد عملکرد این نهاد و مواردی را که به صلاحیت سایر قوا ورود کرده، به عنوان ضرورتی انکارناپذیر خود را نمایان ساخته و نیاز است که عملکرد این نهاد را در ترازوی استقلال قوا مورد سنجش قرار دهیم. در مطالب آتی به فراخور بحث، سایر اصول حقوقی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه، فعالیت‌های خارج از ضابطه شورا نشان‌گر نقض اصل حاکمیت قانون است. بر مبنای اصل عدم صلاحیت می‌توان اکثر فعالیت‌های شورا را فاقد اعتبار دانست و یا با استفاده از این اصل، می‌توان نظارت‌های متعددی را بر شورا توجیه کرد. با استناد به اصول پاسخگویی و مسئولیت نیز می‌توان خلأهایی را در رابطه با حوزه فعالیت‌های این نهاد مشاهده کرد.

در خصوص مباحث مرتبط با شورای مذکور تاکنون پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. برای مثال، الهام و میرمحمدی میبیدی در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام»، مصوبات شورای عالی را در هنگام تعارض با مصوبات سه نهاد یادشده در صدر نشانده و سیاست‌گذاری‌های شورای مزبور را به جز در موارد اندکی، فوق مصوبات نهادهای یادشده می‌دانند. در مقاله دیگری با عنوان «نقد رأی دیوان عدالت اداری درباره ابطال مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، جلالی

۱. ماده ۲ قانون «تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۴/۲».

به نقد رأی هیأت عمومی دیوان به منظور ابطال مصوبات جلسات ۸۰ و ۴۳۹ در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۸ پرداخته و این رأی را موافق با موازین و اصول حقوقی دانسته است. شریف نیز در مقاله «جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن»، علاوه بر آن که قانون‌گذاری را در صلاحیت انحصاری قوه مقننه (نه شورای عالی) می‌داند، به منظور توجیه نظارت مالی بر شورا، این نهاد را در قالب ماده ۱۳۰ قانون محاسبات عمومی در آورده و به بررسی مسائل دیگری در حوزه نظارت‌پذیری، جایگاه مصوبات شورا در سلسله مراتب منابع حقوقی و مسئولیت‌های رییس جمهور و وزرا در مواجهه با مصوبات این نهاد پرداخته است. با این حال، مصادیق عینی ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به صلاحیت‌های سایر قوا که نقض استقلال قوا در پی داشته است، تاکنون به نحو جامعی که این مقاله به آن پرداخته است، مورد نظر واقع نشده و از این منظر، متن حاضر دارای وجوه نوآورانه است.

باری، در مقاله حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و صرفاً با مناط قرار دادن مصوبات شورا،^۱ در پی پاسخ دادن به این سؤالات خواهیم بود که موارد نقض صلاحیت‌های قوای سه‌گانه از سوی شورای مزبور کدام‌اند؟ و چه اصول حقوقی‌ای در این میان نادیده گرفته شده‌اند؟ از این رو در ادامه، ابتدا به نقض صلاحیت‌های قوه مقننه خواهیم پرداخت و در طی دو بخش دیگر، موارد ورود به صلاحیت‌های قوه مجریه و قوه قضاییه مورد اشاره قرار خواهند گرفت. هم‌چنین، در ذیل مباحث، نقض اصول حقوقی به تفاریق مورد بحث واقع شده‌اند.

۱. ورود به صلاحیت قوه مقننه

به‌طور کلی، وظایف قوای تقنینی در نظام‌های مردم‌سالار عبارت‌اند از: نظارت و قانون‌گذاری. نظارت به معنای انطباق عمل مقام‌ها با مفاد قانون به منظور جلوگیری از عدول آن‌ها از صلاحیت‌های تعیین شده است (Cane, 1992: 8). این وظیفه مؤید نظارت

۱. خاطرنشان می‌سازد که به دلیل عدم دسترسی به جریان مذاکرات شورا و فقدان منبعی موثق درباره مبانی و دلایل تصمیم‌گیری‌های این نهاد، ناگزیریم که تنها با استناد به مصوبات شورا به داوری عملکرد این نهاد بپردازیم.

قانون‌گذار بر اجرای قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌هاست (8: Saiegh, 2005). وظیفه دوم، شامل تصویب قواعد کلی حاکم بر ساختارها، قدرت نهادها و مقام‌های عمومی، تنظیم رفتار شهروندان و نهادهای خصوصی است (82: Bradley & Ewing, 2007). از این منظر و با در نظر گرفتن وظایف اصیل قوه مقننه و بر اساس ذیل فصل ششم قانون اساسی که قوه مقننه را متشکل از مجلس و شورای نگهبان قلمداد کرده، به نقض صلاحیت‌های این دو رکن قوه مقننه اشاره خواهد شد.

۱-۱. سیاست‌گذاری^۱

سیاست عبارت از یک الگوی رفتاری مداوم و تکرارشونده برای حل مسئله عمومی است که به وسیله سیاست‌گذاران و تابعین آن‌ها به مرحله اجرا در می‌آید. به این لحاظ، سیاست‌گذاری یک فرآیند کثرت‌گرا، تدریجی و با طبیعتی نسبی و در معرض تغییر و دگرگونی است (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). کارکرد سیاست‌گذاری قوه مقننه در بسیاری از نظام‌های سیاسی هنوز جزء مهم‌ترین و دست‌کم مشهورترین آن‌ها به شمار می‌رود (وکیلیان، ۱۳۹۱: ۲۷۶). قانون‌گذار با تشخیص مشکلات، مطالعه مسائل، به-کارگیری متخصصان و جمع‌بندی داده‌ها به تنظیم سیاست‌ها^۲ مبادرت ورزیده و این سیاست‌ها را در قوانین طراحی شده برای رفع مشکلات و مسائل اعمال می‌کند (8: Saiegh, 2005). این نهاد، از طریق قانون می‌تواند خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلان یا چندساله حکومت را مطرح کند؛ به این بیان که این قوه می‌تواند سیاست و خط‌مشی تقنینی داشته باشد که بر اساس آن سیاست تقنینی، به تصویب قوانین پردازد (زارعی، ۱۳۸۹: ۹-۱۰)^۳. علاوه بر آنچه گفته شد، مطابق نظری دیگر، سیاست‌گذاری که مصداق

1. Policy Making.

2. Policies.

۳. در مورد این سؤال که آیا قوه مجریه نیز می‌تواند این سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها را داشته باشد، پاسخ مثبت است، زیرا در قانون اساسی ما مطرح شده است که برنامه‌ها و خط‌مشی‌های دولت را رئیس‌جمهور با همکاری هیئت دولت تصویب می‌کند (اصل ۱۳۴)؛ اما باید دقت کرد که این برنامه و خط‌مشی دولت، برنامه و خط‌مشی اجرایی در چارچوب سیاست‌های تقنینی است و فراتر از آن نمی‌رود. به نقل از: (زارعی، ۱۳۸۹: ۱۰). در مقابل، پاره‌ای از حقوق‌دانان نیز قائل به این موضوع‌اند که تعیین سیاست عمومی کشور بر عهده قوه مجریه است. برای بررسی این نظر نک. (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۲۷-۲۲۶؛ طباطبایی

بارز عمل سیاسی است، حیات خود را از قانون دریافت می‌کند و مبتنی بر قواعد قانونی است (Cerar, 2009: 22-23). این نظر بر فهم مبتنی بر قانون اساسی استوار است؛ به این معنا که تصمیم‌های سیاسی نمی‌توانند خارج از حیطه قانون باشند (Elliot & Feldman, 2015: 44)؛ بنابراین تحلیل، سیاست‌گذاری ارتباطی وثیق با اصل حاکمیت قانون داشته و این شأن، خارج از حیطه صلاحیت قانونی فاقد اعتبار است (بیات کمیتکی، بالوی و حسینی، زیر چاپ).

آنچه گفته شد در ارتباط با صلاحیت سیاست‌گذاری در نظام‌های حقوقی مدرن بود، اما در پارادایم نظام حقوق اساسی ایران در رابطه با شأن سیاست‌گذاری شورا دو نظر دیگر وجود دارد: به اعتقاد یک گروه، با توجه به اصل ۱۱۰ که تعیین سیاست‌های کلی نظام در اختیار رهبری است و ایشان می‌توانند برخی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری واگذار کنند، این صلاحیت از سوی رهبری به شورای عالی واگذار شده و از مجرای این شورا اعمال می‌شود؛ از این رو، سیاست‌گذاری‌های شورا دارای جایگاهی بالاتر از قوانین‌اند (الهام و میرمحمدی میدی، ۱۳۹۲: ۱۶۳؛ Absavarian & Mohammadi-Sadegh, 2016: 42-45). گروهی دیگر نیز، تصمیم‌های کلان شورا همانند سیاست‌گذاری را با استدلالی مشابه گروه نخست در جایگاهی بالاتر از قوانین می‌دانند و صرفاً آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و دستورالعمل‌های این نهاد را دارای اعتباری پایین‌تر از قوانین تلقی می‌کنند (بنایی اسکویی، ۱۳۹۴: ۶۴۴-۶۴۳). در مقابل این استدلال باید یادآور شد که مطابق اصول حقوق عمومی، تفویض اختیارات صرفاً در مورد وظایف غیر مهم، اجرایی و کارشناسی باید صورت گیرد و وظایف مهم سیاسی و کلان مملکتی باید به‌طور مستقیم و با نظارت مقام اصلی صورت پذیرد؛ فلذا، منظور از «تفویض اختیارات و وظایف خود» در پایان اصل ۱۱۰، تفویض وظایف غیر مهم و غیرسیاسی است و از این رو، وظایف مهم سیاسی همانند تعیین سیاست‌های کلی نظام غیرقابل تفویض‌اند (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). حتی اگر این وظیفه را قابل تفویض

بدانیم، پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا رهبری می‌تواند صلاحیت خود را از مجرای یک نهاد که دارای مبنای قانونی نیست، اعمال کند؟ در پاسخ اجمالاً می‌توان چنین گفت که «یک هنجار زمانی از لحاظ قانونی اعتبار می‌یابد که از هیئت حاکمه صلاحیت‌دار [...] صادر شده باشد» (آلکسی، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

به هر روی، شورای عالی خود را به عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی و تصمیم‌گیری در امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور می‌داند^۱ و مصوبات متعددی را تحت عنوان و محتوای سیاست‌گذاری از تصویب گذرانده است.^۲

۱-۲. قانون‌گذاری

قانون‌سندی است که مقام دارای صلاحیت قانون‌گذاری در چارچوب قانون اساسی وضع می‌کند و در یک نظام مردم‌سالار، ناشی از مردم یا نمایندگان مردم است (متیو، ۱۳۹۱: ۱۴، ۱۵). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ذاتی قانون، تصویب آن از سوی مرجع ذی‌صلاح است (راسخ، ۱۳۸۴: ۳۷). در صورتی که مراجع متعدد قانون‌گذاری وجود داشته باشند، ممکن است برای امر واحد قوانین گوناگون و یا حتی متضاد وضع شود (راسخ، ۱۳۸۴: ۱۳۰). مطابق اصل تفکیک قوا، تنها مرجع قانون‌گذاری قوه مقننه است (محمدی گرگانی، ۱۳۹۳: ۱۱۱) و یکی از اصول مدرن قانون در جوامع امروزی، وضع آن از سوی نمایندگان مردمی است که طی انتخاباتی آزاد و منصفانه دارای صلاحیت قانون‌گذاری شده‌اند (Rasekh, 2016: 259).^۳ بنابراین، حداقل از دو منظر، مصوبات شورا فاقد ویژگی قانون‌اند: ۱. عدم تصویب از سوی مرجع ذی‌صلاح و ۲. عدم تصویب از سوی نمایندگان مردم. از این‌رو، مصوباتی را که شورا به آن‌ها اعتبار

۱. مصوبه جلسه ۴۰۹.

۲. مصوبات جلسات ۱۴۹، ۱۶۵، ۲۲۸، ۴۵۹ و ...

۳. نظریه‌پردازان دموکراسی، قانون موضوعه را کانون ارزش‌های دمکراتیک می‌دانند. آنچه تشریفات تصمیم‌گیری در یک پارلمان را از منظر دمکراتیک منصفانه می‌سازد، این است که رأی نمایندگان در مجلس با رأی فرضی [شهروندان] در سطح کشوری به اعتبار انتخابی بودن هر یک از اعضای دارای حق رأی مجلس ارتباط دارد. قوای مقننه در تکرشان، کثرت جامعه را به‌طور کلی نمایندگی می‌کنند و مجالس نمایندگی‌اند (والدرون، ۱۳۹۷: ۱۸، ۳۱، ۴۵ و ۱۱۷-۸۷).

قانون بخشیده است، از منظر اصول حقوقی با تردید مواجه‌اند.^۱ دلیل اصلی مدعای فوق مصوباتی است که شورا با نام نهادن عنوان قانون بر مصوبه خود، به این امر - ولو غیرمستقیم - اشاره کرده است.^۲

هم‌چنین، شورای عالی در دو مورد دیگر نیز مصوبات خود را در حکم قانون نامیده است.^۳ علی‌رغم این که عبارت در «حکم قانون» تا اندازه‌ای مبهم است و تا به حال در خصوص آن تفسیری روشن صورت نگرفته است، برخی از پژوهشگران با استناد به دیدگاه برخی از اعضای شورای نگهبان که بیان داشته‌اند: «تفسیر قانون اساسی در حکم قانون اساسی است»، این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که تفسیر قانون اساسی دارای شأنی برابر با قانون اساسی است (بهادری جهرمی، ۱۳۹۵: ۵۰) و عبارت در حکم قانون اساسی به منزله خود قانون اساسی است. اگر این نظر مورد پذیرش باشد، باید گفت که منظور از تعبیر در «حکم قانون» که در خصوص مصوبات شورا از آن استفاده شده، مفهوم این معناست که مصوبات این نهاد دارای شأنی برابر با قوانین‌اند؛ اما چنان‌که گفته شد، تنها مرجع صالح به وضع قانون مجلس شورای اسلامی است و مصوبات

۱. مصوباتی همچون «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» که در بند «ب» ماده ۳ آن با ذکر عنوان حدود قانونی، ضوابطی برای نشر کتاب وضع شده است و یا استناد به بند ۴ قانون اهداف و وظایف شورای عالی در تصویب «اساسنامه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران» و...

۲. به‌عنوان مثال، در بند «ب» ماده ۳ مصوبه جلسه ۱۴۹ با عنوان حدود قانونی آمده است: «[...] مسئولین دستگاه‌های ذی‌صلاح موظف‌اند به منظور مقابله با جوانب منفی، حدود و ضوابط قانونی نشر کتاب را که ذیلاً آمده است (ر.ک. به مفاد ذیل این عنوان در مصوبه) مورد توجه قرار دهند [...]»؛ و یا تصویب مصوبه‌ای با عنوان «قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی».

۳. متن مصوبه جلسه ۸۸ چنین است: «در مورد همکاری دولت در اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر می‌شود که به دولت رسماً و کتباً اطلاع داده شود که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حکم قانون است و وزارتخانه‌های مختلف لازم است در مورد تأمین بودجه و مساعدت‌های موردنیاز برای اجرای مصوبات و هم‌چنین استخدام اشخاص اهتمام ورزند»؛ و مطابق صدر مصوبه جلسه ۴۰۹: «شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است [...]». علاوه بر این، دبیر شورای عالی در پاسخ به یکی از استعلامات دیوان در سال ۱۳۷۸ به‌صراحت چنین اعلام می‌دارد: «[...] حضرت امام ضوابط و قواعدی را که شورای عالی وضع کرده در حد قانون دانسته و فرموده‌اند که به آن‌ها باید ترتیب اثر داده شود». به نقل از: (جلالی، ۱۳۸۳: ۳۴۰).

شورا نمی‌توانند دارای اعتباری همسان با قوانین باشند.^۱

۳-۱. آزادی مطبوعات و نشریات

مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». بر مبنای این اصل، تعیین حدود و ثغور آزادی بیان نشریات و مطبوعات بر عهده قانون است.^۲ در مقابل، شورای عالی طی مصوبه‌ای تحت عنوان «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب»، در ذیل ماده ۳ خود بیان می‌دارد که کتب و نشریات طبق اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب آزاداند و در قسمتی دیگر از مصوبه با ذکر عنوان حدود قانونی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را موظف کرده که با همکاری دستگاه‌های ذی‌صلاح، برای مقابله با جوانب منفی، حدود و ضوابط نشر کتاب را مورد توجه قرار دهد و فضای سالم و سازنده چاپ و نشر کتاب را حفظ و حراست کند.

چنانچه مشاهده می‌شود، علاوه بر این‌که مصوبه فوق مصداق بارز ورود به صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تبیین حدود قانونی است، می‌توان به نحو ضمنی ورود به صلاحیت شورای نگهبان را هم در تفسیر اصول قانون اساسی متصور بود، زیرا شورا با استفاده از مرقومات اصل ۲۴، به تفسیر خود از مبانی اسلام و حقوق عمومی در حوزه نشر پرداخته است^۳ و در اصلاحیه نیز از تعبیری مشابه همچون دین و اخلاق و حقوق و فرهنگ عمومی^۴ در ذیل حدود قانونی ضوابط نشر بهره برده است.^۵ ناگفته

۱. برای مطالعه دلایل حقوقی عدم امکان ا تصاف مصوبات شورا به وصف قانون نک. (بیات کمیتکی، بالوی و حسینی، زیر چاپ).

۲. از نگاه متسکیو «... [آزادی عبارت از] حق [دست زدن به هر کاری است که به وسیله قوانین موضوعه حکومتی که تفکیک قوا در آن به حقیقت پیوسته است، وضع شود [...]» (نویمان، ۱۳۷۳: ۲۷۹).

۳. نک. ذیل قسمت "ب" از ماده ۳ مصوبه جلسه ۱۴۹.

۴. قسمت‌های "الف" و "ج" ماده ۴ مصوبه جلسه ۶۶۰.

۵. شورا بر اساس مصوبه جلسه ۴۸۰ نیز به تفسیر مفاهیمی همچون اخلاق در مبانی اسلام و حقوق عمومی مندرج در اصل ۲۴ پرداخته بود که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه ۸۱/۱۱۷ مورخ: ۱۳۸۱/۴/۲، با استناد به این‌که این قبیل مسائل متضمن ورود به حوزه قانون است، برخی از بندهای این مصوبه (و مصوبه ۴۷۸) را ابطال کرد.

پیداست که تضییق حدود فعالیت نشریات و مطبوعات از مصادیق تحدید آزادی بیان^۱ است که بنا بر یک نظر، یکی از ارکان دموکراسی در جوامع امروزی است (Jahanbaksh, 2001: 15). همچنین باید این مهم را مدنظر قرار داد که صرفاً قانون می‌تواند حدود آزادی‌ها را بیان کند (موحد، ۱۳۸۱: ۲۲۱).

۴-۱. تصویب معاهدات بین‌المللی

بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. در خصوص مفهوم بین‌المللی عهدنامه‌ها، اجمالاً وقتی توافق تعهدآوری بین جمهوری اسلامی ایران و یک یا چند دولت دیگر یا با سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌شود، وصف بین‌المللی دارد که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد (مهرپور، ۱۳۸۷: ۲۰۰)؛ فلذا، تصویب معاهدات بین‌المللی از وظایف انحصاری قوه مقننه است.

در همین ارتباط، شورای عالی مقرر داشته است: «پیرو مصوبه جلسه ۳۹۵ شورای عالی درباره تعیین هیئتی برای بررسی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، نامه مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۱ دبیر آن هیئت مطرح شد و شورای عالی با الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن کنوانسیون مخالفت کرد».^۲ چنان‌که گفته شد، قانون اساسی به صراحت شرایط و مراتب امضا، تصویب و تأیید معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را مشخص کرده است و این عمل شورا منجر به تحت تأثیر قرار گرفتن صلاحیت مجلس می‌شود؛ هرچند که مصوبه فوق فاقد قدرت اجرایی باشد.

۵-۱. تفسیر اصول قانون اساسی

مفسران زبان انسانی را به زبانی قانونی تأویل می‌کنند و در حقیقت، قانون ایستا^۳

1. Freedom of Expression.

۲. مصوبه جلسه ۴۱۳.

3. Static Law.

به قانونی پویا^۱ تبدیل می‌سازند و تفسیر، معنای یک متن را به هنجاری قانونی تغییر می‌دهد (Barak, 2005: 4). از این منظر، می‌توان تفسیر قانون اساسی را دارای اعتباری هم‌تراز با اصول قانون اساسی دانست و از منابع حقوق اساسی به شمار آورد (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

مطابق اصل نود و هشتم قانون اساسی، وظیفه تفسیر اصول قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است و مرجع دیگری جز این نهاد دارای صلاحیت تفسیر اصول قانون اساسی نیست.^۲ اما در مقابل این طرز تلقی، شورای عالی مطابق مصوبه خود تحت عنوان «سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات» و در خصوص تعابیری همچون مبانی اسلام، اخلال در مبانی اسلام و حقوق عمومی که در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است، به منظور تعیین مبانی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات، اقدام به تفسیر تعابیر فوق کرده بود. در همین راستا، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به درستی و با تأکید بر این نکته که مسئولیت تفسیر اصول قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است، به ابطال برخی از مفاد مصوبه فوق اقدام کرد.^۳

۲. ورود به صلاحیت قوه مجریه

به کلیه متصدیان و دستگاه‌هایی که کارویژه آن‌ها جنبه اجرایی دارد، در حقوق اساسی قوه مجریه می‌گویند. تمایز بین واضعان قواعد قانونی و مجریان یکی از نخستین ضوابط مهم برای تفکیک قوه مقننه از قوه مجریه به شمار آمده است (قاضی، ۱۳۹۱: ۲۳۲). از منظر جرمی والدرون، تفکیک قوا مستلزم این است که قوه مجریه وظیفه اصلی خودش را که همان اداره امور عمومی است انجام دهد؛ به این معنا که کارکرد اجرایی این قوه نه تنها مستلزم تحت پیگرد قرار دادن اشخاص متخلف است، بلکه امر اجرایی، نیازمند بسط راهبردهایی برای اجرای قوانین وضع شده به‌وسیله قوه مقننه است

1. Dynamic Law.

۲. نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۷۹/۲۱/۸۹۲ مورخ: ۱۳۷۹/۷/۳. نکته جالب‌توجه در خصوص این نظریه آن است

که نظریه موصوف در پاسخ به استفسار رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت و در رابطه با اصل ۲۴ صادر شده است!

۳. دادنامه ۸۱/۱۱۷.

(Waldron, 2012: 26). در این میان، در نظام حقوقی ایران، برخی از وظایف انحصاری قوه مجریه همانند ابتکار طرح بودجه و وظایفی که بر عهده وزارتخانه‌های این قوه به-عنوان واحدهایی سازمانی که تحقق اهداف دولت را بر عهده دارند^۱ از سوی قانون‌گذار مشخص شده و شورای عالی در مواردی به این صلاحیت‌های قانونی - که در ادامه خواهد آمد - ورود کرده است؛ ماحصل این ورود، اختلال در وظایف وزارتخانه‌ها، عدم شفافیت و ابهام در پاسخگویی و مسئولیت این واحدهای سازمانی در برابر رئیس‌جمهور و مجلس خواهد بود.^۲

۲-۱. بودجه‌ریزی

امروزه بدون شک بر این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که صلاحیت قوه مجریه در تنظیم و پیشنهاد بودجه امری انحصاری است و این قوه به دلیل برخورداری از توانایی کارشناسی و تخصصی خود، در پیش‌بینی سازوکارهای مالی دستگاه‌های حکومتی، بی-رقیب است. این مهم حتی در نظام‌های ریاستی نیز که تفکیک کامل قوا - حداقل از لحاظ نظری - برقرار است و صلاحیت قوه مجریه در پیشنهاد لوایح قانونی از نظر موضوعی منتفی است، به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار گرفته است. برای نمونه، در ایالات متحده در آغاز هر دوره اجلاسیه رئیس‌جمهور ضمن ارسال پیامی به کنگره،

۱. ماده ۱ قانون مدیریت خدمات کشوری.

۲. پرسش قابل طرح در این خصوص این است که فرضاً اگر وزیری مصوبه شورا را اجرا نکند، آیا رئیس‌جمهور می‌تواند او را از کار برکنار کند؟ و یا اگر وزیر مربوطه از اجرای مصوبه‌ای امتناع ورزید و رئیس‌جمهور نیز با سکوت خود عمل او را تأیید کرد، آیا مجلس می‌تواند وزیر مربوطه و رئیس‌جمهور را مورد سؤال و استیضاح قرار دهد؟ در جواب باید گفت که «اگر مصوبات شورا را در حکم قانون بدانیم، پاسخ این پرسش‌ها مثبت است» (شریف، ۱۳۸۴: ۲۳۸)؛ در غیر این صورت، یعنی چنانچه مصوبات شورا را دارای اعتبار قانون ندانیم، منطقی نمی‌توان از این بابت مسئولیتی را متوجه وزرا دانست، زیرا عملی برخلاف احکام قانونی صورت نگرفته است. هم‌چنین، علی‌رغم آن‌که ریاست این نهاد با رئیس‌جمهور است و با وجود آن‌که تصویب مصوبات شورا با اکثریت اعضای حاضر است و وی نمی‌تواند نقش تأثیرگذاری را بر روند تصمیم‌گیری‌ها ایفا کند (نک. مواد ۱، ۷ و ۱۰ آیین‌نامه داخلی شورای عالی انقلاب فرهنگی)، فرض مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی رئیس‌جمهور در برابر مجلس (به دلیل تصمیم‌گیری‌های شورا) منتفی است، زیرا مطابق اصل ۱۱۲، وی بر اساس وظایف قانونی خود در برابر مجلس مسئول است، در حالی که نه تصمیمات شورا دارای مبانی قانونی‌اند و نه وظایف رئیس‌جمهور در این نهاد وظایفی قانونی تلقی می‌شوند.

لایحه بودجه را نیز تقدیم می‌کند (زارعی، ۱۳۸۴: ۴۴۰ و ۵۵۵). در نظام حقوقی ایران نیز، مطابق اصل پنجاه و دو تهیه و تنظیم بودجه صلاحیتی است که منحصراً در اختیار قوه مجریه قرار دارد. با این حال، شورای عالی در بعضی از مصوبات خود رأساً مبادرت به تعیین تکلیف برای دولت (و به نحوی مجلس) کرده و ردیف بودجه‌های متعددی را برای خود و برخی از نهادها در نظر گرفته است. برخی از موارد آن به شرح زیر است:^۱

- از منظر شورا، یکی از وظایف شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی که زیر نظر شورای عالی است، تدوین اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های کلان بودجه فعالیت‌های قرآنی و ارائه آن به شورا است؛^۲

- «بودجه و امکانات موردنیاز برای فعالیت‌های بسیج دانشجویی از محل اعتباراتی که می‌بایست در بودجه سالانه وزارتخانه‌های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیش‌بینی شود تأمین خواهد شد»؛^۳

- در ماده ۱۱ مصوبه «اساسنامه مؤسسه آموزش از راه دور» و در بیان منابع مالی مؤسسه چنین آمده است: «اعتبارات اختصاصی مؤسسه که به صورت کمک هرساله در بودجه آموزش و پرورش پیش‌بینی می‌شود»؛

- تصویب مصوبه‌ای تحت عنوان «منظور کردن صد میلیارد ریال در بودجه سال آینده وزارت آموزش و پرورش برای تقویت و توسعه کارودانش در دوره متوسطه».

البته شورا در مواردی اذعان داشته است که دبیرخانه این نهاد موظف است مصوباتی را که بار تشکیلاتی و مالی دارند، پس از هماهنگی و اخذ نظر مساعد دولت ابلاغ کند^۴ و در برخی از مصوبات خود تحت عناوینی مختلف به اخذ موافقت و

۱. هم‌چنین برای بررسی مصوبات بیش‌تر بنگرید به مفاد مصوبه جلسه ۳۴۴ و ماده ۱۲ مصوبه «اساسنامه جدید دانشگاه پیام نور».

۲. بند ۱۱ ماده ۴ مصوبه جلسه ۶۴۳.

۳. ماده ۷ مصوبه جلسه ۴۷۲.

۴. مصوبه جلسه ۵۳۷.

هماهنگی با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در فرآیند تدوین بودجه به وسیله دولت اشاره کرده است.^۱

۲-۲. وزارت نیرو

مطابق ماده ۲ «قانون تأسیس وزارت نیرو»^۲، این وزارتخانه مجاز است برای انجام وظایف مقرر در این قانون، مبادرت به ایجاد و اداره سازمان‌های تحقیقاتی و آموزشی بکند. در ادامه ماده یادشده آمده است که اساسنامه مؤسسات مذکور از طرف وزارت نیرو تهیه و به تصویب کمیسیون‌های استخدام و نیرو و دارایی مجلسین (سابق) خواهد رسید. آنچه از متن ماده مشخص است، ابتکار ایجاد چنین سازمان‌هایی است که منحصرأ به وسیله قانون به خود وزارتخانه مذکور سپرده شده است. متقابلاً، شورای عالی بر اساس مصوبه «اساسنامه گنجینه ملی آب ایران»، رأساً اقدام به ایجاد گنجینه ملی آب به‌عنوان یک مؤسسه تحقیقاتی،^۳ تحت نظارت وزارت نیرو کرده است؛ بدون آن‌که تشریفات مقرر در ماده قانونی فوق طی شود.

۲-۳. وزارت امور خارجه

مطابق ماده ۱ «قانون وظایف وزارت امور خارجه»^۴، این وزارتخانه عهده‌دار اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.^۵ برابر با ماده ۳ قانون فوق و ماده ۱۸۳ قانون برنامه سوم توسعه که به موجب ماده ۱۲۹ قانون برنامه چهارم توسعه تنفیذ شده است، نظارت بر کلیه امور مربوط به روابط خارجی بر عهده وزارت امور خارجه بوده و در این زمینه، همه دستگاه‌ها برای ایجاد وحدت رویه باید با هماهنگی این وزارتخانه

۱. به‌طور مثال، ماده ۵ مصوبه جلسه ۵۹۵ و یا بند ۱ مصوبه «راهکارهای اجرایی ارتقای علم و فناوری کشور».

۲. مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۸.

۳. نک. مفاد ماده ۵ از مصوبه فوق.

۴. مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۸.

۵. تعیین و اجرای سیاست‌های خارجی یکی از وظایف ذاتی وزارت امور خارجه در اکثر نظام‌های سیاسی است. به‌عنوان مثال نگاه کنید به شرح وظایف وزارت امور خارجه ایالات متحده در: (U.S. Department of State, nd.).

عمل کنند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۰)؛ بنابراین، در یک طرف اعلام مواضع سیاسی ایران در خارج از کشور لزوماً باید وزارت امور خارجه دخیل باشد.^۱

اما شورای عالی در بند ۲۳ از بخش وظایف مصوبه «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» یکی از وظایف خود را موضع‌گیری در سطح بین‌المللی نسبت به تحریمات علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران می‌داند. حتی با فرض پذیرش چنین صلاحیتی برای شورا، در این مصوبه هیچ‌گونه اشاره‌ای به هماهنگی و یا کسب موافقت از وزارت امور خارجه نشده و نقض قانون فوق را می‌توان شاهد بود، زیرا مطابق ماده ۳ قانون وظایف وزارت امور خارجه، کلیه نهادها و ارگان‌های جمهوری اسلامی مکلف‌اند در تنظیم مناسبات و برقراری هر نوع ارتباط با دول خارجی و انعقاد قرارداد و همکاری‌های فرهنگی و امثال‌ذلک با کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی، هماهنگی سیاسی لازم را با وزارت امور خارجه به عمل آورند. از این بابت، برخی از مصوبات شورا که در رابطه با انجام فعالیت‌های بین‌المللی بدون هماهنگی با وزارت امور خارجه‌اند، قابل انتقاد به نظر می‌رسند.^۲

۲-۴. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بنا بر قانون «اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» مصوب ۱۳۸۳/۵/۲۸ و بنا بر ماده ۹۹ «قانون برنامه سوم توسعه» مصوب

۱. برای نمونه نک. ماده ۲۰ مصوبه هشتادم شورای عالی اداری تحت عنوان «شرح وظایف استانداران و فرمانداران (مورخ: ۱۳۷۷/۷/۲۸)» که مقرر می‌دارد: «استانداران با هماهنگی وزارت کشور و موافقت وزارت امور خارجه می‌توانند با مراکز فرهنگی و اقتصادی کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند».

۲. به عنوان مثال، مطابق بند ۱ ماده ۳ مصوبه جلسه ۳۷۴، ایجاد واحد دانشگاهی در خارج از کشور با تصویب شورای عالی صورت می‌گیرد و در مصوبه هیچ‌گونه نامی از کسب موافقت و یا هماهنگی با وزارت امور خارجه وجود ندارد. در ذیل بند ۵ ماده ۲۵ مصوبه جلسه ۶۳۵ نیز در بیان وظایف و اختیارات شورای جامعه‌المصطفی و بدون بیان جلب نظر دستگاه‌های ذی‌صلاح از جمله وزارت امور خارجه این‌گونه مقرر شده است: «بررسی و تصویب اعطای هر نوع مجوز دائم یا موقت به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی برای انجام فعالیت‌های حوزه‌ای-دانشگاهی در داخل و خارج کشور در چارچوب مأموریت جامعه». البته قابل توضیح است که شورا درجایی دیگر به این مسئله اذعان می‌کند که ضوابط فعالیت‌های برون‌مرزی دانشگاه‌ها و همکاری با دانشگاه‌های خارجی بر عهده دستگاه‌های اجرایی است (بند ۱۱ از مصوبه جلسه ۴۳۰).

۱۳۷۹/۱/۱۷، این وزارتخانه به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور موظف به برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه تحقیقات و فناوری است.

برخی وظایف وزارتخانه مورد اشاره عبارت‌اند از: انسجام امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی و امور تحقیقات و فناوری؛ پیشنهاد ضوابط پذیرش دانشجو به مراجع ذی‌صلاح؛ برنامه‌ریزی و حمایت از ایجاد و گسترش دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، مراکز تحقیقاتی و غیره؛ تأیید اساسنامه و صدور مجوز ایجاد یا توسعه هرگونه واحد آموزش عالی و یا توسعه تحقیقاتی (اعم از دولتی یا غیردولتی)؛ اتخاذ تدابیر و ارائه پیشنهادهای لازم جهت حفظ دانشمندان و محققان و تأمین امنیت شغلی آنان و استفاده از توانمندی‌های آنان؛ نظارت بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی؛ تعیین ضوابط علمی مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی؛ بررسی اولویت‌های راهبردی تحقیقات و فناوری و غیره.^۱

در همین راستا و به منظور احتراز از اطاله کلام، عناوین مصوبات شورا که نشان‌گر تداخل با وظایف وزارت علوم است، به این قراراند: سیاست تحقیقاتی کشور؛ آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها؛ تصویب ضوابط کلی تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی؛ تصمیم در خصوص استخدام هیئت علمی دانشگاه‌ها؛ تشکیل هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی (یکی از وظایف این هیئت، بررسی و ارزیابی وضعیت علمی و پژوهشی کشور است)؛ راهکارهای اجرایی ارتقای علم و فناوری کشور و غیره.

۱. ر.ک. مفاد ماده ۲ قانون وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. هم‌چنین بنا بر بند "و" ماده ۱ این قانون، یکی از اهداف این وزارتخانه «حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی» است. هم‌چنین قابل توضیح است که بنا بر ماده ۱ قانون «احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰)»، هرگونه تصمیم‌گیری در مورد ساختارهای اداری، مالی، تشکیلاتی، استخدامی و غیره در مورد مؤسسات آموزش عالی دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی، بنا بر صلاحدید دولت و تحت اختیار قوه مجریه است.

۲. مصوبه جلسه ۸ و اصلاحات بعدی آن. البته شورا در مصوبه دیگری در سال ۱۳۸۱ (مصوبه جلسه ۵۰۳)، این امور را به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار کرده است.

تنها وظیفه‌ای که مطابق قانون وزارت علوم در خصوص شورا وظیفه‌ای است که قانون در مورد آن حکم دارد، تبصره بخش "ب" از ماده ۲ این قانون است که انتخاب و تأیید رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی بر اساس مفاد مندرج در وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد بود.

۲-۵. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور تحقق اهدافی همچون رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی، استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب^۱، رواج فرهنگ و هنر اسلامی، آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و مظاهر و اهداف انقلاب اسلامی، گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان و غیره تشکیل شده است^۲ و مسئول اجرای سیاست‌های رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه فرهنگ عمومی است.^۳

با عنایت بر وظایف وزارتخانه نامبرده، مصادیق ورود شورای عالی به وظایف وزارت فرهنگ به شرح زیر است:

- یکی از وظایف این وزارتخانه بنا بر بند ۱۳ ماده ۲ قانون فوق‌الاشعار، تعیین ضوابط اعطای جوایز در زمینه‌های فرهنگی و هنری در چهارچوب آیین‌نامه‌های مربوطه است. در همین ارتباط، شورای عالی نیز مصوبه‌ای را تحت عنوان «طرح اهدای جایزه ادبی جلال آل احمد» به تصویب رسانده که به نظر می‌رسد این فعالیت در حوزه وظایف وزارتخانه مذکور باشد.

- بنا بر بند ۱۷ ماده ۲ قانون، صدور اجازه تأسیس، توسعه یا انحلال مؤسسات آزاد آموزش‌های هنری و فرهنگی و سینمایی و نیز انجمن‌های فرهنگی و هنری و تصویب آیین‌نامه‌های مربوطه و نظارت بر اجرای آن‌ها از وظایف وزارت فرهنگ و

۱. شورای عالی در این زمینه نیز مصوبه «سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی» را به تصویب رسانده است.

۲. ماده ۱ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصوب ۱۳۶۶/۲/۲۳.

۳. ماده ۲ قانون فوق.

ارشاد اسلامی است. حال آن‌که شورای عالی نیز بر اساس مصوبه «ضوابط عام تأسیس مراکز، مؤسسات، انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی و هنری و نظارت بر آن‌ها» ضوابطی را در خصوص حدود فعالیت و نحوه نظارت بر این‌گونه مراکز وضع کرده است.

- مطابق بند ۳۰ ماده ۲ قانون، یکی از وظایف این وزارتخانه تنظیم سیاست‌های کلی فرهنگی و هنری^۱ و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب است. در مقابل، شورای عالی علاوه بر تصویب مصوباتی همچون «اصول سیاست فرهنگی کشور»، با تشکیل شورای فرهنگ عمومی، سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت فرهنگ عمومی کشور را در حوزه اختیارات شورای یادشده می‌داند.^۲ هم‌چنین، بند ۲۷ ماده ۲ این قانون، انجام مطالعات و تحقیقات لازم پیرامون مسائل و مبانی فرهنگ عمومی، هنر، سینما، تئاتر و غیره را در زمره صلاحیت‌های این وزارتخانه دانسته و بند ۲ ماده ۱ مصوبه شورای عالی، در بیان یکی از وظایف شورای فرهنگ عمومی، بررسی و تحلیل شرایط و جریان‌های فرهنگی کشور را در حوزه صلاحیت‌های این شورا تلقی کرده است. بند ۳ ماده فوق نیز، برنامه‌ریزی و هدایت فرهنگ عمومی را به‌منظور تحقق اهداف و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) از وظایف این شورا برشمرده است.

به هر حال، می‌توان از مصوباتی دیگر با عناوینی همچون سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات؛ ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه؛ اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب؛ مسئله ویدیو و مشکلات و عوارض فرهنگی آن؛ بررسی و هماهنگی سیاست‌های سینما، تئاتر، صداوسیما و مطبوعات؛ و غیره نام برد که در مواردی منجر به نفوذ به حوزه صلاحیت‌های وزارتخانه فوق شده است و بررسی کامل آن‌ها از حوصله این بحث خارج است.

۱. به عنوان نمونه در حوزه مسائل هنری نک. مصوبه «سیاست‌های هنرهای نمایشی».

۲. ر.ک. مفاد «آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی».

۳. ورود به صلاحیت قوه قضائیه

در این گفتار به مهم‌ترین موارد نقض صلاحیت قوه قضائیه در پرتو مصوبات شورا و با مناسبت قرارداد اصول حقوقی و قوانین موضوعه کشور اشاره خواهد شد.

۳-۱. حق دسترسی به دادگاه

یکی از حقوق بنیادین بشر، حق برخورداری از دادرسی منصفانه است که از ویژگی‌های آن، حق دسترسی به دادگاه و استماع به‌وسیله یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف است (واعظی و حسینی، ۱۳۹۷: ۲۳۰). حکومت قانون نیز ایجاب می‌کند که شهروندان ستم‌دیده که منافع آن‌ها به‌صورت نامطلوب تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، حق داشته باشند که برای تظلم خواهی به یک دادگاه مستقل مراجعه کنند (هداوند، ۱۳۹۳: ۵۳۰). مطابق اصل ۳۴ نیز، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است [...] و هیچ‌کس را نمی‌توان به دادگاهی که به‌موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد»^۱.

در همین ارتباط، شورای عالی در یکی از مهم‌ترین مصوبات خود تحت عنوان «آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران»، در ماده ۶ خود یکی از وظایف کمیته‌های انضباطی دانشگاه و کمیته مرکزی انضباطی را رسیدگی به جرائم عمومی دانشجویان از قبیل تهدید، توهین، ضرب و جرح، سرقت، رشوه، قتل و امثالهم، بیان کرده است و مطابق ماده ۷ این آیین‌نامه، مهم‌ترین تنبیهاتی که برای تخلفات دانشجویان در نظر گرفته شده، به این قرارند: منع موقت از تحصیل، تغییر محل تحصیل دانشجوی، اخراج دانشجوی از دانشگاه و محرومیت از تحصیل در کلیه دانشگاه‌ها تا پنج سال. گرچه در بدایت امر، این قبیل تنبیهات ظاهراً دارای جنبه‌ای انضباطی‌اند، اما از نظر نگارندگان، برخی از این تنبیهات بالأخص مورد آخر می‌تواند مصداق بارز محرومیت از یک حق

۱. به اعتقاد تمناها، حاکمیت قانون دارای دو گستره شکلی (Formal Version) و ماهوی (Substantive Version) است و حاکمیت قانون در معنای اخیر، متضمن احترام به حقوق فردی (Individual Rights)، کرامت ذاتی و حق بر عدالت (Right of Dignity and/or Justice) است (Tamanaha, 2004: 91-113). با این توضیح، لازمه حاکمیت قانون نه‌تنها پیروی از یک دسته اصول رویه‌ای همچون شفاف بودن، ثبات نسبی و عطف به‌ماسبق‌نشدن است، بلکه نظام حقوقی باید حداقل با اصول جهان‌شمول حقوق بشر نیز سازگار باشد (چلبی، ۱۳۹۶: ۱۹).

اجتماعی باشد؛ چه این که حتی در قانون مجازات اسلامی نیز که محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازاتی تبعی مورد حکم قرار می‌گیرند فقط در جرائم عمدی قابل اعمال هستند و حقوق اجتماعی مدنظر این قانون، بیش تر دایر مدار مناصب حکومتی است، نه هر گونه‌ای از حقوق اجتماعی.^۱ حتی اگر مصوبات شورا را در جایگاهی برابر با مقرر نیز بدانیم، مقرر هم از لحاظ موضوعی نمی‌تواند به مسائلی همچون ایجاد یا سلب حق و تکلیف و امور قضایی ورود کند (راسخ، ۱۳۹۴: ۶۳-۵۷). تنها استثناء این مورد را شاید بتوان مقرراتی دانست که سابقه قانونی داشته و به صورت اجرایی وضع شده‌اند (امامی و استوارسنگری، ۱۳۹۱: ۶۰). استدلال پیش گفته در موارد بسیاری مطمح نظر قضات دیوان عدالت اداری به منظور ابطال بسیاری از مصوبات بوده است.^۲

علاوه بر موارد پیشین، در خصوص رسیدگی به تخلفات دانشجویان، بند «ج» ماده ۶ این آیین نامه، یکی دیگر از وظایف کمیته‌های انضباطی را رسیدگی به تخلفات سیاسی دانشجویان می‌داند، حال آن که مطابق بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرائم سیاسی در دادگاه کیفری یک صورت می‌پذیرد و مطابق اصل ۱۶۸، جرم سیاسی را قانون معین می‌کند.

در نقد مصوبه فوق باید اشاره کرد که اولاً، همان گونه که برخی با استناد به منابع اسلامی استدلال کرده‌اند، قضاوت منصفانه و مطابق با قانون در حضور یک دادگاه مستقل از حقوق افراد است (Malekian, 2011: 124-125) و نتیجتاً، رسیدگی به جرائم سیاسی و عمومی دانشجویان، ناقض صلاحیت دادگاه‌ها و اصول دادرسی منصفانه است. ثانیاً، چنین کمیته‌هایی دادگاه نیستند که بتوانند این قبیل احکام را صادر کنند؛ «چراکه اصولاً دادگاه در نگرش فقهی و حقوقی کشور ما بر حضور صرف یک یا چند قاضی مبتنی است» (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۱۲) که در این کمیته‌ها مقام قضایی وجود

۱. نک. مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲/۲/۱).

۲. به اعتقاد دیوان، تعیین انواع جرائم و مطلق تخلفات و میزان مجازات هر یک از آنها و هم چنین، تعیین مراجع ذی صلاح به منظور رسیدگی به جرائم و تخلفات متخلف و اعمال مجازات قانونی درباره مجرمین و متخلفین از وظایف اختصاصی قانون گذار است (مشهدی، ۱۳۹۷: ۲۱۶، ۲۱۷).

ندارد. ثالثاً، حتی اگر رسیدگی این کمیته‌ها را واجد خصلت اداری و انضباطی^۱ در نظر بگیریم، این قبیل رسیدگی‌ها باید تحت نظارت دیوان عدالت اداری (به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی اداری) بوده و قابلیت فرجام خواهانه داشته باشند (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۱۳) که البته شورای عالی، آراء این کمیته‌ها را غیر قابل بررسی در دیوان اعلام کرده است!^۲

۲-۳. دیوان عدالت اداری

در نظام‌های مردم‌سالار تقریباً هر یک از اعمال، موضوع بازنگری قضایی بوده و غیرقابل بازنگری بودن آن‌ها استثناء است (زارعی و محمودی، ۱۳۹۰: ۹۱). هدف از بازنگری قضایی، حمایت قضایی از شهروندان در مقابل اقدامات غیرقانونی دستگاه‌ها و مقام‌های اداره امور عمومی است (هداوند، ۱۳۹۳: ۵۰۶). در نظام حقوقی ایران، دیوان عدالت اداری به‌عنوان رکنی که در قلمرو بازنگری قضایی ایفای وظیفه می‌کند، مسئولیت خطیری را در صیانت از اصل حاکمیت قانون و دفاع از حقوق شهروندان بر عهده دارد.

اعتقاد بر این است که رسیدگی دیوان عدالت اداری بر مصوبات شورای عالی مطابق تبصره ماده ۱۲ قانون دیوان از باب عدم صلاحیت است، زیرا شورا در عموم مسائلی که به وضع ضابطه می‌پردازد، فاقد صلاحیت قانونی است. در این رابطه، برخی از حقوق‌دانان جهات نقض قانون را، یعنی غیرقانونی بودن عمل یا تصمیم اداری را به شکلی و ماهوی تقسیم کرده‌اند و عدم صلاحیت مأمور یا مقام اداری را در زمره موارد نظارت شکلی آورده‌اند که منجر به نظارت مقام قضایی می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۲۸). به دیگر سخن، عدم صلاحیت، سوای از عیوب ماهوی است که به ماهیت

۱. از نگاه شورای دولتی فرانسه در پرونده موبلو، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق برخورداری از دادرسی منصفانه) در مورد رسیدگی به دعاوی انضباطی نیز باید رعایت شود (هداوند، ۱۳۹۳: ۷۰۷).

۲. نک. مصوبات جلسات ۸۳ و ۴۳۹. هم‌چنین، وضع چنین مصوباتی ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. «اصل قانونی بودن جرم [...] ایجاب می‌کند جرائم تا آنجا که ممکن است به‌دقت تعریف شوند تا هرکس بتواند با قطعیت نسبی از پیش بگوید چه عملی جرم است و چه عملی جرم نیست» (هارت، ۱۳۹۷: ۳۸، ۳۹).

عمل می‌پردازد (هداوند، ۱۳۹۳: ۷۶۸، ۷۶۹ و ۷۷۶-۷۷۱). در این رابطه، دو نمونه از مهم‌ترین زمینه‌های بازنگری قضایی در نظام حقوقی انگلستان، یعنی عدم صلاحیت^۱ مقام تصمیم‌گیرنده (Ellis-Jones, 2001: 119) و غیرقانونی بودن^۲ تصمیم، شاهد مثال خوبی است. به اعتقاد لرد دیپلاک: «تصمیم‌گیرنده باید به‌درستی درک کند که قانون، قدرت تصمیم‌سازی او را تنظیم می‌کند و وی باید تابع آن باشد» (Parpworth, 2012: 84).

بنابراین، دیوان نهادی ناظر بر اقدامات و تصمیمات شورای عالی است که در اکثر موارد، بدون نیاز برای ورود به ماهیت دعوا و صرفاً از لحاظ شکلی و به دلیل عدم صلاحیت، قادر به نظارت بر مصوبات شورا است. امکان این نوع از نظارت، یعنی «عدم صلاحیت مقام تصمیم‌گیرنده» بر اساس ماده ۱۲ قانون دیوان^۳ فراهم است.

با وجود امکان نظارت دیوان بر مصوبات شورا بر اساس ماده ۱۲ قانون فعلی، اما دیوان در حال حاضر عملاً نظارتی بر مصوبات این نهاد ندارد.^۴ هم‌چنین رویه دیوان در نظارت بر مصوبات شورا هیچ‌گاه رویه واحدی نبوده است. در زمان حکومت قانون سابق، هیئت عمومی در مواردی به نظارت بر مصوبات این نهاد پرداخته^۵ و در مواردی نیز خود را فاقد صلاحیت دانسته است.^۶ هم‌چنین، در زمان حکومت قانون سابق دیوان،

1. No Jurisdiction.
2. Illegality.

۳. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵.
 ۴. دیوان به این استناد که رهبری نامه‌ای به مجمع تشخیص نوشتند و از مجمع سؤال کردند که چرا شورا از مستثنیات تبصره حذف شده، به این اعتبار به مصوبات شورا رسیدگی نمی‌کند (زارعی، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۳). هم‌چنین مطابق ماده ۷ «طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» که در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۱۳ به مجلس وصول شد، پیشنهاد شد که عبارت «و شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص تعیین معیارها و ضوابط امور آموزشی، فرهنگی و علمی» به تبصره ماده ۱۲ قانون فعلی اضافه شود. قابل توضیح است که در یکی از جدیدترین آراء هیئت عمومی دیوان، مصوبه هیئت‌انای دانشگاه بوعلی همدان به دلیل مغایرت با یکی از مصوبات شورا ابطال شده است و به نظر می‌رسد که همچنان از دیدگاه برخی از قضات دیوان، مصوبات شورا هم‌عرض قوانین موضوعه‌اند (دادنامه ۱۸۸۱ مورخ: ۱۳۹۷/۹/۲۷).
 ۵. برای مثال، ابطال مصوبه جلسات ۸۳ مورخ: ۱۳۶۵/۶/۱۱ و ۴۳۹ مورخ: ۱۳۷۷/۱۲/۲۵ از سوی هیئت عمومی در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۹ به شماره دادنامه ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹ و ۳۰۰ و یا رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ: ۱۳۸۲/۵/۱۹ به شماره دادنامه ۱۹۷.
 ۶. فی‌المثل در همین زمان (حکومت قانون ۱۳۶۰/۱۱/۱۴) هیئت عمومی دیوان در رأی مورخ: ۱۳۷۸/۶/۶ به شماره دادنامه

به دلیل این که رسیدگی به مصوبات شورا مطابق ماده ۱۹ از صلاحیت هیئت عمومی خارج شده بود، اکثر دعوی مربوط به ابطال مصوبات شورا از سوی قضات هیئت عمومی غیرقابل پذیرش اعلام می شدند.^۱

به هر تقدیر، شورا طی چند مصوبه به تحدید صلاحیت دیوان مبادرت ورزیده و از این بابت به صلاحیت قوه قضاییه ورود کرده است. از جمله می توان به مصوبه جلسه ۶۳۰ اشاره کرد که شورا تصمیمات و آراء نهایی و قطعی صادره در هیئت ها و کمیته های تخصصی فعال در وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه ها و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مصوب را غیرقابل شکایت و رسیدگی در دیوان و سایر مراجع قضایی می داند. هم چنین، طی مصوباتی دیگر نیز به صلاحیت دیوان ورود کرده و علاوه بر مورد پیش گفته، در خصوص احکام نهایی صادر شده توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی^۲ - بالأخص احکام و آراء صادره از کمیته انضباطی دانشگاه ها^۳ - بر این نکته اشعار داشته که این احکام غیرقابل بازنگری به وسیله دیوان اند. واضح است که تصویب چنین مصوباتی، نقض حق دادخواهی افراد، ورود به حیطه صلاحیتی مجلس و تقیید صلاحیت مرجعی است که خود، از لحاظ قانونی می تواند بر مصوبات شورا نظارت کند و اصولاً، تحدید صلاحیت نهاد ناظر از سوی نهاد مورد نظارت، امری غیرعقلانی است.

۳-۳. سازمان بازرسی کل کشور، مرجع علوم انسانی

قانون اساسی، نظارت بر حسن اجرای قوانین را از وظایف و اختیارات قوه قضاییه دانسته و جهت بررسی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و گردش کار صحیح امور و

۷۸/۲۴۷ و کلاس پرونده ۳۹۸/۷۷، در خصوص درخواست ابطال مصوبه سبب و شصت و چهارمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ: ۱۳۷۴/۹/۷ چنین استدلال کرد: «نظر بر این که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی حسب فرمان حضرت امام خمینی (ره) واجد وصف و اثر قانونی است لذا قابل طرح در هیئت عمومی دیوان تشخیص داده نشد». ۱. از جمله مطابق دادنامه ۸۸۶/۸۶ مورخ: ۱۳۸۶/۷/۲۸ و دادنامه شماره ۸۲۲/۸۷ مورخ: ۱۳۸۷/۱۱/۲۶.

۲. مصوبه جلسه ۸۳

۳. مصوبه جلسه ۴۳۹.

شکایت مردم از ادارات دولتی، سازمانی را به نام سازمان بازرسی کل کشور وابسته به قوه قضاییه پیش‌بینی کرده است (مهرپور، ۱۳۸۷: ۴۵۰-۴۴۹). مطابق بند «الف» ماده ۲ «قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور»^۱، یکی از وظایف این سازمان، بازرسی و نظارت مستمری است که در متن ماده نهادهای انقلابی - همانند شورا - نیز مشمول آن می‌شوند.

در همین راستا، شورای عالی بر اساس مصوبه جلسه هشتاد و سوم خود، به تحدید صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور درباره احکام نهایی صادره توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی پرداخته و احکام آنان را غیرقابل بررسی در این سازمان دانسته است. این مصوبه نیز، با اتکا بر استدلالاتی که در بخش‌های گذشته آمد، قابل نقد و مناقشه است.

در پایان قابل توضیح است که چنانچه احکام شورای عالی را در خصوص تحدید صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور قابل نفوذ و اعتبار تلقی کنیم، این موضوع منجر به این مسئله خواهد شد که از طرفی دیوان عدالت اداری نیز نتواند موضوعاتی را که از سوی سازمان و در مورد نقض اصول حقوقی به وسیله مصوبات شورای عالی رخ می‌دهد، مورد بازنگری خود قرار داده و این امر منطقی‌متج به نقض صلاحیت نظارتی دیوان هم خواهد شد، زیرا تبصره ۲ ماده ۲ قانون فوق‌الاشعار بیان می‌دارد: «گزارش‌های بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه و تصویب‌نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف [...] باشد، جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌شود [...]». هم‌چنین بر اساس ماده فوق، مردم نیز نخواهند توانست که از مجرای سازمان بازرسی، شکایات خود از مصوبات خلاف قانون را به گوش دیوان برسانند و حق تظلم خواهی مردم هم منتفی خواهد شد.

۱. مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ مجلس شورای اسلامی و اصلاحات سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳.

۳-۴. ایجاد تشکیلات در دستگاه قضایی

اعمال قضایی، اداری و اجرایی قوه قضاییه که شقوق مختلف آن در اصل یک‌صد و پنجاه و ششم مقرر شده است نیازمند تشکیلات فراوانی است که رئیس قوه قضاییه ریاست آن را بر عهده دارد. ایجاد، تغییر و یا حذف تشکیلات در قوه قضاییه می‌تواند اثر مستقیم بر امور قضایی داشته باشد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۳۸۱-۳۸۰). بر همین مبنای ایجاد هرگونه تشکیلات بنا به صراحت اصول قانون اساسی از وظایف اصلی رئیس این قوه است و شورای عالی انقلاب فرهنگی فاقد چنین صلاحیتی است که واحد ارشاد و امداد خانواده را در هر شعبه دادگاه مدنی خاص تشکیل دهد و دادگاه‌ها را مکلف به ارسال پرونده به این واحدها کند.^۱

۳-۵. تهیه لوایح قضایی

یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه، تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران است (بند سوم اصل ۱۵۸). حتی هیئت دولت نیز نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم کند و این لوایح باید از سوی رئیس قوه به دولت ارسال شود تا به منظور بررسی به مجلس شورای اسلامی ارجاع شود. هم‌چنین، هرگونه تغییر در این لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضاییه امکان‌پذیر است.^۲ به هر روی، ابتکار تنظیم لوایح قضایی با رئیس قوه یادشده است و این وظیفه را بنا بر صلاحدید خود و مقتضیات مسائل قضایی به انجام می‌رساند. از این‌رو، شورای عالی قادر به تعیین تکلیف برای این قوه و ریاست آن در تنظیم لوایح قضایی نیست. بر همین اساس، مفاد بند ۲ مصوبه «راهکارهای اجرایی ارتقای علم و فناوری کشور» قابل انتقاد است. این بند مقرر می‌دارد: «به‌منظور تأمین و حفظ حقوق معنوی و مادی دانشمندان و محققان، مخترعان، مکتشفان و مؤلفان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قوه قضاییه در مدت شش ماه با همکاری

۱. نک. بند ۳ ماده ۲ و مفاد ماده ۴ مصوبه «واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص».

۲. نظریه تفسیری تشکیل شورای نگهبان به شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ: ۱۳۷۹/۷/۳.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لایحه قانونی ثبت مالکیت‌های معنوی را تهیه و تدوین کرده و به هیئت‌وزیران ارائه دهند».

۳-۶. امور زندان‌ها

بر اساس ماده ۱ «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مستقیماً زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می‌کند و مطابق بند "د" ماده ۲۶ این آیین‌نامه، در بیان وظایف رؤسای زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسات و مراکز وابسته به سازمان برخی از وظایف آن‌ها عبارت‌اند از: اهتمام و اقدام در جهت تهذیب، اصلاح و تربیت زندانیان و نیز تأمین بهداشت، تغذیه و تربیت بدنی و تفریحات سالم آنان در محیط زندان یا مؤسسه یا مراکز وابسته.^۱

علی‌رغم آنچه گفته شد، شورای عالی بنا بر مصوبه «منشأ آلودگی زندان‌های کشور و بررسی وضع آن‌ها» تقریر می‌دارد: «موضوع آلودگی زندان‌ها به نحو مقتضی به سازمان بهداشت جهانی منعکس شود و درباره منشأ این آلودگی در زندان‌ها نیز آگاهی و توضیح لازم به مردم داده شود تا نسبت به آن هشیاری کافی پیدا کنند». با وجود این - که این اقدام شورا درخور تحسین است، اما وظیفه شورا این نیست که در مورد امور زندان‌های کشور تصمیم‌گیری کند و این مسئله یکی از وظایف قانونی رئیس قوه قضائیه است.

نتیجه‌گیری

مصادیق نقض صلاحیت قوای سه‌گانه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی را می‌توان اجمالاً چنین بیان کرد: در حوزه ورود به صلاحیت‌های قوه مقننه می‌توان به مواردی همچون تفسیر اصول قانون اساسی و ورود به حیطه اختیارات شورای نگهبان،

۱. مصوب ۱۳۸۰/۴/۲۲ رئیس قوه قضائیه.

۲. فصل دوم این آیین‌نامه به تفصیل در مورد شرایط بهداشتی زندان و زندانیان صحبت کرده است (نک. مواد ۶۶ الی ۱۱۷).

ذکر مصوبات خود تحت عناوینی در قالب قانون و در حکم قانون، بیان حدود و ثغور آزادی نشریات و مطبوعات، سیاست‌گذاری (و خط‌مشی‌گذاری) در عرصه‌های مختلف و تعیین تکلیف در خصوص پیوستن ایران به معاهدات بین‌المللی اشاره کرد. در حوزه اختیارات قانونی قوه مجریه، شورا به وظایف قانونی وزارتخانه‌هایی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت نیرو، وزارت امور خارجه و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ورود کرده و در مواردی دیگر، صلاحیت بودجه‌ریزی این قوه را تحدید کرده است. در نهایت، در خصوص حوزه عملکردی قوه قضاییه، حق دسترسی به مراجع صالح قضایی (حق برخورداری از دادرسی منصفانه) از سوی شورا تحت‌الشعاع قرار گرفته و در مواردی نیز، صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و رئیس قوه قضاییه مورد تعرض واقع شده است.

در خصوص نقض استقلال قوای مورد اشاره، آنچه مهم به نظر می‌رسد پیش‌بینی و توجیه سازوکارهای مؤثر نظارتی بر این شورا است که از لحاظ منطقی، ضمن مهار زدن بر فعالیت‌های خارج از ضابطه، این نهاد را در چارچوب‌های قانونی قرار داده و اصل حاکمیت قانون را تضمین می‌کند. این مهم نیز رخ نخواهد داد مگر این‌که قوانین در حوزه نظارت تقویت شوند و بالأخص مجلس شورای اسلامی با استفاده از ارکان نظارتی خود در جهت تنسيق فعالیت‌های شورا برآید. هم‌چنین، پیشنهاد دیگر این است که قوانین در جهت شفاف‌سازی جایگاه شورا و حدودی که شورا در آن قادر به فعالیت است، اقدام مقتضی را به عمل آورند؛ البته این امر با محدودیت‌هایی روبه‌روست. برای مثال، مجلس بر اساس اصل ۸۵ نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند و در نتیجه، حتی مجلس نیز قادر نخواهد بود به مصوبات شورا اعتبار قانون را ببخشد. هم‌چنین، مجلس قادر نخواهد بود که شورای عالی را در جایگاهی فراتر از سایر قوا قرار دهد، زیرا نفس این عمل، نقض غرض استقلال قواست.

افزون بر این، پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مرقومه همانند نقش و گستره دخالت دولت و شهروندان در حوزه فرهنگ عمومی که شورای عالی خود را متولی آن می‌داند نیز می‌تواند رهگشا باشد، زیرا به زعم برخی از صاحب‌نظران، «فرهنگ‌سازان،

افراد و مؤسسات دیگری غیر از دولت هستند و دولت از فرهنگ عمومی جامعه تبعیت می‌کند و متناسب با آن، وظایفی را بر عهده می‌گیرد و نمی‌تواند و نباید فرهنگ‌ساز آن جامعه باشد» (مجتهد شبستری، ۱۳۸۱: ۳۳).

منابع

الف. فارسی

آلکسی، روبرت (۱۳۹۴) مفهوم و اعتبار قانون، ترجمه علیرضا میرزایی، چاپ نخست، تهران: راه نوین.

الهام، غلامحسین و سیدمصطفی میرمحمدی میدی (۱۳۹۲) «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام»، حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره اول، صص ۱۷۹-۱۵۵.

امامی، محمد و کورش استوارسنگری (۱۳۹۱) حقوق اداری، جلد دوم، چاپ نخست، تهران: میزان.

بالوی، مهدی و مهناز بیات کمیته‌ی (۱۳۹۶) دولت حق بنیاد؛ دفتر اول: تحلیل معنا، تبیین مبنا، چاپ نخست، تهران: مجد.

بنایی اسکویی، مجید (۱۳۹۴) «تحدید قلمرو صلاحیت دیوان عدالت اداری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۶۶۵-۶۳۱.

بهادری جهرمی، محمد، (۱۳۹۵) «جایگاه تفسیر رسمی قانون اساسی در مقایسه با متن قانون اساسی با تأکید بر نظام حقوقی ایران»، دانش حقوق عمومی، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۶۷-۴۷.

بیات کمیته‌ی، مهناز و مهدی بالوی و سیدمحمد حسینی (زیر چاپ) «جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام حقوقی ایران»، حقوقی دادگستری.

بیکس، برایان (۱۳۹۳) فرهنگ نظریه حقوقی، ترجمه محمد راسخ، چاپ دوم، تهران:

نی.

جلالی، محمد (۱۳۸۳) «نقد رأی دیوان عدالت اداری درباره ابطال مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۴۷-۳۳۴.

چلبی، آزاده (۱۳۹۶) فساد و مقبولیت قانون از منظر جامعه‌شناسی حقوق، چاپ نخست، تهران: نی.

راسخ، محمد (۱۳۸۴) بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، چاپ نخست، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

راسخ، محمد (۱۳۹۴) وضع مقرر در قوه قضاییه، چاپ نخست، تهران: دراک.

زارعی، محمدحسین (۱۳۸۴) مطالعه تطبیقی مجالس قانون‌گذاری، چاپ نخست، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

زارعی، محمدحسین (۱۳۸۹) سخنرانی علمی با عنوان «قلمرو صلاحیت قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی»، پژوهشکده شورای نگهبان، تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹.

زارعی، محمدحسین (۱۳۹۴) حاکمیت قانون و دموکراسی، چاپ نخست، تهران: خرسندی.

زارعی، محمدحسین (۱۳۹۵) «مفاهیم منفعت عمومی» در: در تکاپوی منفعت عمومی، به اهتمام علی‌اکبر گرجی از ندریانی، چاپ نخست، تهران: فکرسازان.

زارعی، محمدحسین و جواد محمودی (۱۳۹۰) «تحولات مربوط به قلمرو بازنگری قضایی در پرتو رویه‌های قضایی انگلستان و فرانسه»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۱۳۷-۸۹.

زارعی، محمدحسین و فاطمه عزیزمحمدی (۱۳۹۶) «تحولات تفکیک قوا در پرتو حکمرانی تنظیمی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۹، صص ۲۳۷-۲۱۳.

شریف، محمد (۱۳۸۴) «جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۷، شماره ۱۶، صص ۲۴۹-۲۱۳.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷) حقوق اداری تطبیقی، چاپ دوم، تهران: سمت.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۱) حقوق اداری، چاپ هجدهم، تهران: سمت.

عباسی، بیژن (۱۳۹۰) حقوق اداری، چاپ دوم، تهران: دادگستر.
عباسی، بیژن (۱۳۹۷) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، تهران:
دادگستر.

قاضی «شریعت پناهی»، سید ابوالفضل (۱۳۹۱) بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ چهل و
پنجم، تهران: میزان.

متیو، برتران (۱۳۹۱) قانون، ترجمه مجید ادیب، چاپ نخست، تهران: میزان.
مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۱) نقدی بر قرائت رسمی از دین، چاپ دوم، تهران: طرح
نو.

محمودی (گرگانی)، محمد (۱۳۹۳) جستاری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
چاپ نخست، تهران: شهر دانش.

محمودی، جواد (۱۳۸۵) «قضا زدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق
اداری»، الهیات و حقوق، شماره ۱۹، صص ۱۰۵-۱۲۲.
مشهدی، علی (۱۳۹۷) فرهنگ اصطلاحات حقوق اداری، چاپ نخست، تهران: شرکت
سهامی انتشار.

مهرپور، حسین (۱۳۸۷) مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست،
تهران: دادگستر.

موحد، محمدعلی (۱۳۸۱) در هوای حق و عدالت؛ از حقوق طبیعی تا حقوق بشر،
تهران: کارنامه.

میرزاده کوهشاهی، نادر (۱۳۷۶) «سازمان اداری و اختیارات شورای عالی انقلاب
فرهنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، به راهنمایی دکتر عبدالحمید
ابوالحمد، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

نویمان، فرانتس (۱۳۷۳) آزادی، قدرت، قانون، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ نخست،
تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

واعظی، سیدمجتبی و سیدمحمد حسینی (۱۳۹۷) «نظارت قضایی دیوان عدالت اداری
بر مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای نگهبان»،

حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۲۵۱-۲۲۹.
والدرون، جرمی (۱۳۹۷) قانون‌گذاری؛ مفاهیم، نظریه‌ها و اصول، ترجمه حسن و کیلیان، چاپ نخست، تهران: نگاه معاصر.

و کیلیان، حسن (۱۳۹۱) «گونه شناسی قدرت سیاست‌گذاری قوای تقنینی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها»، راهبرد، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۳، صص ۲۹۹-۲۷۱.
وینسنت، اندرو (۱۳۹۷) نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، چاپ سیزدهم، تهران: نی.

هارت، هربرت (۱۳۹۷) قانون، آزادی و اخلاق، ترجمه محمد راسخ، چاپ نخست، تهران: نی.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۲) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: میزان.

هداوند، مهدی (۱۳۹۳) حقوق اداری تطبیقی، دوره دوجلدی، چاپ چهارم، تهران: سمت.

هیوود، اندرو (۱۳۹۵) مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه حسن سعید کلاهی و عباس کاردان، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ب. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل، تقویت و توسعه بسیج دانشجویی، مصوب جلسه ۴۷۲ مورخ: ۱۳۷۹/۱۰/۱۳.

آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسه ۳۵۴ مورخ: ۱۳۷۴/۶/۱۴ و ۳۵۸ مورخ: ۱۳۷۴/۴/۲۰.

آیین‌نامه داخلی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۴۷۳ مورخ: ۱۳۷۹/۱۰/۲۷.

آیین‌نامه شورای عالی آموزش‌های علمی-کاربردی، مصوب جلسه ۳۴۴ مورخ: ۱۳۷۳/۱۰/۲۰.

آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی، مصوب جلسات ۳۹۸ مورخ: ۱۳۷۶/۳/۲۰ و ۶۶۲

مورخ: ۱۳۸۹/۲/۲۱.

آیین نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها، مصوب جلسه ۸ مورخ: ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ و اصلاحات بعدی.

آیین نامه هیئت عالی نظارت و ارزیابی علمی و فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۴۷۶ مورخ: ۱۳۷۹/۱۲/۹.

احکام و آرای تنبیهی صادره از کمیته مرکزی انضباطی دانشگاه‌ها، مصوب جلسه ۴۳۹ مورخ: ۱۳۷۷/۱۲/۲۵.

اساسنامه جدید دانشگاه پیام نور، مصوب جلسه ۱۰۰ مورخ ۱۳۶۷/۹/۱.

اساسنامه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسه ۱۰۰ مورخ: ۱۳۶۷/۹/۱.

اساسنامه گنجینه ملی آب ایران، مصوب جلسه ۴۰۱ مورخ: ۱۳۷۶/۴/۲۹.

اساسنامه مؤسسه آموزش از راه دور، مصوب جلسه ۳۸۷ مورخ: ۱۳۷۵/۹/۶.

اساسنامه نهاد علمی و آموزشی جامعه المصطفی العالمیه، مصوب جلسه ۶۳۵ مورخ: ۱۳۸۷/۸/۲۱.

اصول سیاست فرهنگی کشور، مصوب جلسه ۲۲۸ مورخ: ۱۳۷۱/۵/۲۰.

اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب جلسه ۱۴۹ مورخ: ۱۳۶۷/۲/۲۰ و اصلاحیه جلسه ۶۶۰ مورخ: ۱۳۸۹/۱/۲۴.

بازنگری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص آموزش عالی، مصوب جلسه ۴۳۰ مورخ: ۱۳۷۷/۸/۵.

بررسی و هماهنگی سیاست‌های سینما، تئاتر، صداوسیما و مطبوعات، مصوب جلسه ۲۹۴ مورخ: ۱۳۷۱/۸/۲۶.

تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص، مصوب جلسه ۲۶۶ مورخ: ۱۳۷۰/۹/۱۲.

جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۴۰۹ مورخ: ۱۳۷۶/۸/۲۰.

درباره احکام نهایی صادره توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی، مصوب جلسه ۸۳ مورخ: ۱۳۶۵/۶/۱۱.

راهکارهای اجرایی ارتقای علم و فناوری کشور، مصوب جلسه ۵۳۰ مورخ: ۱۳۸۲/۹/۲۵.

سیاست تحقیقاتی کشور، مصوب جلسه ۱۶۵ مورخ: ۱۳۶۷/۷/۱۲.
سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات، مصوب جلسه ۴۸۰ مورخ: ۱۳۸۰/۴/۱۲.

سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی، مصوب جلسات ۴۵۹ مورخ: ۱۳۷۹/۵/۲۵ و ۱۳۷۸/۱۱/۲۴.

سیاست‌های سوادآموزی، مصوب جلسه ۵۹۵ مورخ: ۱۳۸۵/۹/۲۱.
سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، مصوب جلسه ۴۵۹ مورخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۴.

سیاست‌های هنرهای نمایشی، مصوب جلسه ۴۵۷ مورخ: ۱۳۷۸/۱۱/۲۶.
شاخص‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسه ۵۳۰ مورخ: ۱۳۸۲/۲/۲۵.
ضوابط عام تأسیس مراکز، مؤسسات، انجمن‌ها و کانون‌های فرهنگی و هنری و ضوابط نظارت بر آنها، مصوب جلسه ۷۷ مورخ: ۱۳۶۷/۲/۲۰.

ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه "با تأکید بر لزوم کسب مجوزهای خاص و بیان حدود و ثغور محتوای نمایش‌ها"، مصوب جلسه ۴۶۱ مورخ: ۱۳۷۹/۲/۲۰.

طرح اهدای جایزه ادبی جلال آل‌احمد، مصوب جلسه ۵۶۵ مورخ: ۱۳۸۴/۴/۲۱.
عدم الحاق ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مصوب جلسه ۴۱۳ مورخ: ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

قانون تشکیل هیئت‌امنا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مصوب جلسه ۱۸۳ مورخ: ۱۳۶۷/۱/۲۹.

ماده الحاقی به آیین‌نامه داخلی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۵۳۷ مورخ: ۱۳۸۳/۲/۱۵.

ماده واحده در مورد استخدام هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، مصوب جلسه ۱۹۹ مورخ:

۱۳۶۸/۷/۴.

ماده واحده "خروج تصمیمات و آراء صادره از هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در خصوص امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی"، مصوب جلسه ۶۳۰ مورخ: ۱۳۸۷/۶/۱۲.

مسئله ویدئو و مشکلات و عوارض فرهنگی آن، مصوب جلسه ۲۸۵ مورخ: ۱۳۷۱/۴/۹. منشأ آلودگی زندان‌های کشور و بررسی وضع آن‌ها، مصوب جلسه ۳۸۷ مورخ: ۱۳۷۵/۹/۶.

منشور توسعه فرهنگ قرآنی، مصوب جلسه ۶۴۳ مورخ: ۱۳۸۸/۲/۲۲. منظور کردن صد میلیارد ریال در بودجه سال آینده‌ی وزارت آموزش و پرورش برای تقویت و توسعه کاردانش در دوره متوسطه، مصوب جلسه ۳۸۶ مورخ: ۱۳۷۵/۸/۲۲.

موافقت با امور انضباطی و گزینش دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی طبق مصوبات هیئت‌امنای آن دانشگاه، مصوب جلسه ۳۶۴ مورخ: ۱۳۷۴/۹/۷. واگذاری امور گزینش استاد و دانشجو به دانشگاه‌ها، مصوب جلسه ۵۰۳ مورخ: ۱۳۸۱/۶/۵.

همکاری دولت در اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۸۸ مورخ: ۱۳۶۵/۷/۱۵.

ج. انگلیسی

Absavarian, Hadi & Saeid Mohammadi-Sadegh (2016) «Tasks and Duties of the Supreme Council of Cultural Law», **Journal of Law Review**, Vol. 2 (2), pp 42-45.

Alder, John (2002) **General Principles of Constitutional and Administrative Law**, Fourth Edition, London: Palgrave Macmillan.

Barak, Aharon (2005) **Purposive Interpretation in Law**, Translated from

- the Hebrew by Sari Bashi, Princeton and Oxford: Princeton University Press.
- Bradley A. W. and K. D. Ewing (2007) **Constitutional and Administrative Law**, Fourteenth Edition, London: Pearson Education Limited.
- Cane, Peter (1992) **An Introduction to Administrative Law**, London: Oxford University Press.
- Cane, Peter (2011) **Administrative Law**, Fifth Edition, London: Oxford University Press.
- Cerar, Miro (2009) «The Relationship between Law and Politics», **Annual Survey of International Comparative Law**, Vol. 15, Issue 1, Article 3, pp 19-41.
- Elliot, Mark and David Feldman (2015) **Public Law**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ellis-Jones, Ian (2001) **Essential Administrative Law**, Second Edition, London: Cavendish Publishing.
- F. McEldowney, John (1998) **Public Law**, 2nd Edition, London: Sweet & Maxwell.
- Grabenwarter, Christoph (2011) «Separation of Powers and the Independence of Constitutional Courts and Equivalent Bodies», 2nd Congress of the World Conference on Constitutional Justice, Rio de Janeiro, (30 July 2018) on: <https://www.venice.ceo.int>.
- Henderson, Edith G. (1963) **Foundations of English Administrative Law**, Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Jahanbaksh, Forough (2001) **Islam, Democracy and Religious Modernism in Iran (1953-2000)**, Leiden, Boston, Koln: Brill.
- Malekian, Farhad (2011) **Principles of Islamic International Criminal Law**, Second Edition, Leiden, Boston: Brill.
- Parpworth, Neil (2012) **Constitutional and Administrative Law**, 7th Edition, London: Oxford University Press.
- Pierson, Christopher (2004) **The Modern State**, 2nd Edition, London & New York: Routledge.
- Rasekh, Mohammad (2016) «Sharia and Law in the Age of Constitutionalism», **Journal of Global Justice and Public Policy**, Vol. 2, No. 2, pp 259-276.
- Saiegh, Sebastian M. (March 2005) «the Role of Legislature in the Policymaking Process», (31 July 2018) on: <http://www.researchgate.net/publication/228471685>.
- Tamanaha, Brian Z. (2004) **On the Rule of Law, History, Politics, Theory**, Cambridge: Cambridge University Press.
- U.S. Department of State (nd.), «Duties of Secretary of State», (18

- December 2018) on: www.state.gov/secretary/115194.htm.
- Vile, Maurice J. C. (1967) **Constitutionalism and the Separation of Powers**, Second Edition, Oxford University Press.
- Waldron, Jeremy (2012) «Separation of Powers or Division of Power?», New York University School of Law: New York University Public Law and Legal Theory Working Papers, (31 July 2018) on: accessible on http://papers.ssrn.com/sol/papers.cfm?abstract_id=2045638.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی